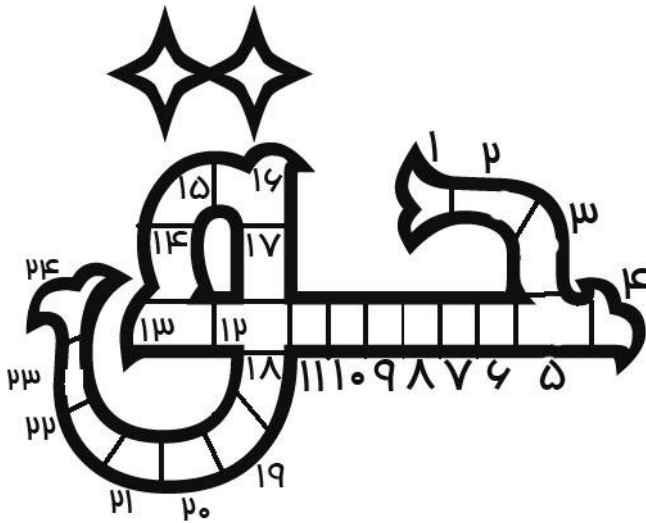


بسم الله الرحمن الرحيم

به نام آن که باشد مهربان تر برای ما ز بابا و ز مادر
دهم پندی بکن آویزه‌ی گوش مکن هرگز خدای خود فراموش
با نام و یاد خدا درس امروز را با هم شروع می‌کنیم. آماده‌اید؟ پس اول هر
کار به نام خدا. بله خدایی که به ما نعمت‌های زیادی داده، پس همه با
هم بسم‌الله... یعنی؟ به نام خداوند ...
حالا به آن چه روی تخته می‌نویسم توجه کنید.



بله کلمه حق. بچه‌ها حق چه کسانی؟ یعنی چه کسانی بر ما حق دارند؟^۱

1. مربی پاسخ دانش‌آموزان را می‌شنود، اگر پاسخ صحیح دادند آن‌ها را تشویق می‌کند و گرنه خودش پاسخ صحیح می‌دهد و ادامه می‌دهد.

خوب پس موضوع برنامه امروز، حق پدر و مادر و معلم است. والدین و معلم چه حقوقی بر ما دارند؟ اگر این جدول را پر کنیم به 6 تا از حقوق مشترک والدین و معلم می‌رسیم. پس حواس‌ها جمع و به دقت گوش کنید تا جواب سوالات را داخل خانه‌های جدول بگذاریم.

1. همان پیشوا و رهبر است. ؟ امام (13، 14، 20)

2. یکی از نام‌های خداوند به معنای یگانه و واحد است؟

یکتا (8، 1، 24، 6)

3. نام سوره‌ای از قرآن که به معنای حشره‌ای است که دارای خانه ای

سست است. عنکبوت (5، 3، 15، 23، 17، 22)

4. اگر نباشد جان در عذاب است. عقل (18، 2، 4)

5. به معنای بخشیدن است. عطا¹ (10، 12)

6. به رنگ نیل است نیلی (16، 11، 7، 21)

7. آخرین حرف الفبا چیست؟ ی (9)

حالا نوبت می‌رسد به پیدا کردن پیام جدول.

خانه‌های جدول را 6 تا 6 تا بشمرید تا پیام جدول به دست آید.²

بله اولین حق از حقوق پدر و مادر و معلم بر ما «کلام» است.

حالا برای پیدا کردن مفهوم این کلمه یک مسابقه اجرا می‌کنیم. برای

اجرای مسابقه به دو گروه 3 نفره نیاز داریم.

1. دو حرف (طا) در خانه‌ی 12 قرار می‌گیرد

2. مربی از دانش‌آموزان می‌خواهد یکی از حروف را انتخاب کند و بعد 6 خانه 6 خانه می‌شمارد، اگر به انتهای جدول رسید و شمارش از ابتدا آغاز شد، حروفی را که به دست می‌آید، پشت حروف به دست آمده قبلی می‌گذارد تا کلمات به دست آید.

پیام جدول: کلام، قیام، اطاعت، نیکی، لعنت، عیوب

مرحله اول مسابقه به این صورت است که به هر گروه دو کارت داده می‌شود که باید پس از مشورت نام کارت و مفهوم آن را توضیح دهند.

کارت‌های گروه 2

و ش گ

کارت‌های گروه 1

ط ق ع

م ا ن

ف ی ر د ا

قطع بله ما نباید موقعی که والدین و معلمان صحبت می‌کنند کلام آن‌ها را قطع کنیم. یعنی وسط صحبتشان حرف نزنیم.

گوش منظور خوب گوش کردن به حرف آن‌هاست. یعنی به دستورات آن‌ها عمل کنیم.

فریاد صدا را بالا نبریم سر معلم یا پدر و مادر داد نزنیم. باید مواظب باشیم با آن‌ها با ملایمت و نرمی صحبت کنیم.

نام ما حق نداریم پدر و مادر را با نام کوچک صدا بزنیم. بلکه باید بگوییم پدر، مادر، بابا یا مامان. یا کلمات دیگری که محترمانه و مودبانه باشد. همچنین باید معلم را با احترام صدا بزنیم و بگوییم آقا معلم یا خانم معلم. ¹ دومین حق از حقوق والدین و معلم چیست؟

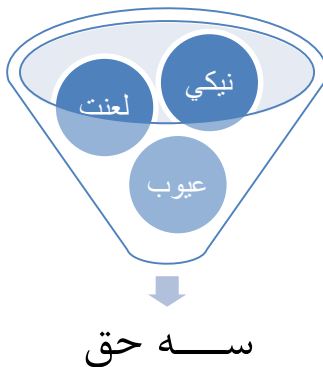
قیام یکی از حقوقی که والدین مهربان و معلمان عزیز بر گردن ما دارند قیام است. ما وظیفه داریم جلوی آن‌ها بلند شویم.

1. امام سجاد 7: و حق سائسک بالعلم: التعظیم له و التوقیر لمجلسه و حسن الاستماع الیه و الاقبال علیه و ان لا ترفع صوتک علیه و ... و ان تستر عیوبه و تظهر منافعہ و ... (منیة المرید ص 234)

حالا مرحله دوم مسابقه را اجرا می‌کنیم. این دو گروه باید کلمات به هم ریخته روی کارت‌ها را تبدیل به یک جمله‌ی زیبا کنند که حدیثی از امیرالمؤمنین است. هر گروهی که سریع‌تر پاسخ دهد 20 امتیاز می‌گیرد.

حضرت علی: احترام - و - به - معلمت - پدر - به‌پاخیز - گرچه - پادشاهی - برتخت - باشی^۱

برویم سراغ حقوق بعدی از حقوق مشترک والدین و معلم:



در مرحله سوم مسابقه از هر گروهی 4 سوال می‌پرسم که مربوط به این سه حق است.

اگر خوب گوش کنید متوجه این سه حق هم می‌شوید.^۲
پس از شنیدن سوال اگر جواب مسابقه «بله» است سریع بگویید الحمدلله و اگر جواب «خیر» است بگویید أستغفرالله

سوالات گروه اول:

^۱. حضرت علی 7 می‌فرمایند: به احترام پدر و معلمت به پا خیز گرچه بر تخت پادشاهی باشی

^۲. هر سوال 5 امتیاز.

1. فقط اگر پدر و مادر مومن و دین‌دار باشند باید به آن‌ها احسان و نیکی کرد.

استغفرالله

2. ما بعضی وقت‌ها می‌توانیم والدین و معلم خود را لعن و نفرین کنیم.

استغفرالله

3. ما نباید در حضور والدین و معلم خود پای خود را دراز کنیم.

الحمدلله

4. اگر با ادب نباشیم سبب بدنامی والدین و معلمان می‌شویم.

الحمدلله

سوالات گروه دوم:

1. احسان و نیکی کردن به معلم فقط هدیه دادن در روز معلم نیست.

الحمدلله

2. ما می‌توانیم پشت سر والدین و معلم خود بدگویی بکنیم.

استغفرالله

3. اگر معلم ما را تنبیه کرد یا با ما دعوا کرد باید از او دلگیر و ناراحت

استغفرالله

شویم.

4. ما باید عیب‌های یکدیگر خصوصاً والدین و معلمان را بیوشانیم و جایی

استغفرالله

بازگو نکنیم.

اما آخرین حق از حقوقی که والدین بر گردن ما دارند اطاعت است.

اطاعت یعنی فرمانبرداری. برای این که بدانیم کجا و چگونه و کی باید از معلم و والدین اطاعت کرد، جملاتی را می‌خوانم. شما باید به دقت گوش کنید و اگر باید اطاعت کنیم بگویید: گوش بکنیم، گوش بکنیم و اگر نباید

اطاعت کنیم بگویید: نه نه نه گوش نکنیم. همه آماده‌اند؟ حواس‌ها جمع است؟

1. اگر بابا یا مامان یا آقای معلم گفت بچه‌ها درس‌هاتون رو خوب بخونید، حرف آن‌ها را گوش کنیم؟

2. ای بچه‌های باادب حالا بگویید اگر گفتند نماز و قرآن بخونید، حرف آن‌ها را گوش کنیم؟

3. حالا بلندتر بگویید اگر گفتند که جنگ و دعوا نکنید، با بچه‌ها قهر نکنید، حرف آن‌ها را گوش کنیم؟

4. هر که حواسش جمع است سریع بگه: اگر یک وقت زبانم لال اشتباهی گفتند به ما که حرف‌های بزرگ‌ترها، معلم‌ها، آدم خوب‌ها را گوش نکن، حرف آن‌ها را گوش کنیم؟

5. اگر یک وقت گفتند فقط امروز نماز نخوان حرف آن‌ها را گوش کنیم؟ پس یاد گرفتیم که همه جا باید فرمانبردار پدر و مادر و معلم‌های خوب و دلسوزمان باشیم و اگر یک وقت اشتباهی یا از روی ندانستن حرفی و کاری بر خلاف حرف خدا و پیامبر و امامان : زدند نباید حرف آن‌ها را گوش کنیم.

حالا کسانی که خسته‌اند و خسته نیستند یک صلوات بفرستند.
حالا کسانی که می‌خواهند یک داستان جالب بشنوند یک صلوات بلندتر بفرستند.

در یک روستای کوچک اما سرسبز و باصفا مردم مهربانی با صمیمیت کنار هم زندگی می‌کردند. تعداد دانش‌آموزان مدرسه از 20 نفر بیشتر نبود. کلاس اول تا پنجم در یک کلاس شرکت می‌کردند. زنگ نقاشی کلاس اولی‌ها بود. معلم سر کلاس حاضر شد. از دانش‌آموزان خواست تا

یک نقاشی بکشند اما با چه موضوعی؟ نقاشی با موضوع سپاسگزاری و تشکر از هر چیزی که نسبت به آن قدردان هستید.

معلم فکر کرد این بچه‌های فقیر که از دنیا فقط روستای خود و مزارع اطراف آن را دیده‌اند چه تصویری می‌کشند. شاید نقاشی یک مرغ که روزانه یک تخم مرغ برای آن‌ها می‌گذارد. یا نه شاید یک گاو و گوساله‌اش که روزانه شیر و لبنیات آن‌ها را تامین می‌کند یا شاید هم نقاشی مشهدی حسین، بقال روستا را.

دانش‌آموزان شروع کردند به نقاشی. هر کدام با تخیل کودکانه و با صداقت و پاکی خود تصویری کشیدند. یکی تصویری از یک مزرعه گندم آن یکی نقاشی دریا با ماهی‌های قرمز و ... معلم تک‌تک نقاشی‌ها را می‌دید. یکی از نقاشی‌ها توجه معلم را به خود جلب کرد. هر چه معلم به این نقاشی بیشتر نگاه می‌کرد تعجبش بیشتر می‌شد. دفتر نقاشی را رو به کلاس گرفت و نقاشی را به همه نشان داد. دانش‌آموزان هم از نقاشی چیزی نفهمیدند و تعجب کردند که منظور چیست؟

تصویری که سبب تعجب معلم و همه دانش‌آموزان شده بود تصویر یک دست بود. اما دست چه کسی بود؟ (شما فکر می‌کنید دست چه کسی را کشیده بود؟)

یکی از بچه‌ها گفت: فکر کنم دست خداست که به ما غذا و این همه نعمت داده. دیگری گفت شاید این دست کشاورزی است که گندم و سبزیجات و میوه‌های خوشمزه را می‌کارد تا ما از آن استفاده کنیم.

سومی گفت: نه این دست باید دست یک مادر باشد که از کودکی این همه برای ما زحمت کشیده تا ما در آرامش و آسایش زندگی کنیم و خوب درس‌هایمان را بخوانیم و پیشرفت کنیم. هر کس نظری داد تا این که معلم با چهره‌ای گشاده و لبان خندان که نشان از رضایت او بود کنار دانش‌آموز نقاش آمد. با ملایمت و نرمی پرسید: پسرم این دست چه کسی است؟ دانش‌آموز که از تعجب معلم و دانش‌آموزان احساس خجالت و شرمندگی می‌کرد در حالی که بغض گلوی او را گرفته بود با صدای لرزان همراه با اندوه فراوان گفت: آقا معلم این دست شماس است که بعد از

مرگ پدر و مادرم بارها و بارها به سرم کشیدی و غصه‌هایم را کم کردی. هر وقت احساس یتیمی و بی کسی می‌کردم به بهانه‌های مختلف پیش شما می‌آمدم تا قدری از غم و اندوه فقدان والدینم کاسته شود. آقا معلم حالا که پدر و مادرم نیستند تا از آن‌ها تشکر و قدردانی کنم. خدا را شکر که شما هستید.

خوب در پایان همه دست‌ها را به سوی آسمان بلند کنید.

دست‌هامونو می‌بریم بالا

با همدیگه می‌کنیم دعا

عمر زیاد بده خدا

هم به مامان هم به بابا

به همه معلم‌ها

دوست‌های خوب و باصفا

به صاحب عصر و زمان

رهبر خوب و مهربان

خدا که ما رو دوست داره

دعاهامون رو قبول داره